

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیشرو شماره ۴۲

۰۵ مارچ ۲۰۱۲

با کتمان جنایات، تاریخ را مسخ کرده نمی توانند

وزارت معارف افغانستان اخیراً اعلام داشت که به خاطر «تأمین وحدت ملی» می خواهد وقایع چهار دهه اخیر را از کتب درسی مکاتب حذف کند. هر چند این مسأله با نیت «خیرخواهانه» عنوان شده، اما در واقعیت سرپوش گذاشتن بر آن جنایات و خیانت هائی است که اکثر مسببین آن همین اکنون در داخل دولت کنونی حضور دارند، کسانی که باید به محاکمه کشانیده می شدند. این اعلام، تداوم همان «منشور خودبخشی» است که توسط پارلمان قبلی به تصویب رسید و در آن تمامی کسانی که طی چهار دهه گذشته عامل خونریزی و برپادی کشور به شمار می روند، از تعقیب عدلی و قضائی و همچنین مجازات معاف گردیدند.

اگر هر که به حاکمیت برسد، با صدور فرامین و تصویب قوانین، خود و دوستان خود را در مقابل جنایاتی که انجام داده اند، از مجازات معاف کند، و به زعم خود تاریخ را از حافظه مردم پاک کند، کور خوانده است، زیرا در اینصورت دیگر تاریخی از گذشته وجود نمی داشت. تاریخ در مورد چنین جنایتکاران و خاینان قضاوت بیرحمانه خواهد کرد و جنایات و خیانت های شان را برملا خواهد ساخت.

تاریخ چهار دهه اخیر که با جنایت ها، آدم کشی ها، قتل ها و خیانت ها گره خورده است، از حساس ترین، غم انگیز ترین و سرنوشت سازترین برهه تاریخ کشور ما می باشد.

اوایل دهه ۵۰ خورشیدی که با کودتای داوود خان و همیاری عمال وابسته به شوروی سابق رنگ دیگری یافت، زمینه ساز جنایات بعدی به خصوص کودتای ثور و در نهایت اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی شد.

وابستگی شدید اقتصادی- سیاسی حکومت داوود به شوروی سبب شد تا چرخش بعدی این حکومت به سوی غرب برای شوروی ها قابل تحمل نباشد. مرگ مرموز میراکبر خیبر و دستگیری رهبران خلق و پرچم توسط داوود راه را برای کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ باز کرد.

کودتای ثور در حقیقت سرآغاز برپادی و تباهی کشور محسوب می شود. عکس العمل روز افزون مردم در مقابل حکومت کودتائی وابسته به شوروی سبب شد تا حزب دموکراتیک به سرکوب گسترده مردم پردازد. دستگیری های

وسیع و کشتار بیرحمانه انسان های بی گناه و بی دفاع توسط آنان نتوانست مانع خیزش های مردمی در کشور گردد.

شوروی ها که در تحقق اهداف ستراتیژیک خود حکومت حزب «دموکراتیک» را نا توان و حتا رو به سقوط می دیدند، با تهاجم بیش از ۱۳۰ هزار سرباز از راه هوا و زمین در ۶ جدی ۱۳۵۸ به اشغال افغانستان دست زدند. دول غربی و کشورهای عربی جهت تحقق اهداف بعدی خود و فرو بردن شوروی در باتلاق جنگ افغانستان، سیلی از تسلیحات خود را همراه با هزاران داوطلب عرب و غیره وارد جنگ افغانستان نمودند.

حاصل ده سال جنگ با شوروی ها برای مردم افغانستان بیش از دو میلیون کشته و معلول، خرابی بیش از ۸۰ درصد دهات، آوارگی ۵ میلیون افغان به کشورهای همسایه و ایجاد ۱۵ تنظیم در ایران و پاکستان بود.

خروج خفتبار شوروی ها و سقوط رژیم پوشالی سرآغاز تراژیدی دیگری در کشور بود. درگیری های خونین میان تنظیم های بنیادگرا در کابل بر سر غصب قدرت، جان بیش از ۶۵ هزار کابلی را گرفت، شهر کابل به مخروبه مبدل گردید، بر زنان و دختران تجاوز شد، بر فرق مردم میخ کوبیده شد، چشم های مردم را کشیدند، سینه های زنان را بریدند، در دهن قربانیان ادرار کردند، رقص بسمل تماشا کردند، به نام قوم، زبان، سمت و مذهب مردم را از دم تیغ کشیدند. خلاصه آنچه تاریخ بشریت از جنایت به یاد داشت، بر مردم کابل و در مجموع افغانستان تجربه کردند.

درگیری های تنظیمی که به صورت عموم ریشه در استخبارات کشورهای بیرونی به خصوص ایران و پاکستان داشت، با ظهور طالبان و حاکمیت پنج ساله آنان با درگیری های خونین ادامه یافت. پاکستان و ایران با بهره برداری از این وضعیت دست به مداخله گسترده ای زدند و خون های زیادی را در کشور ما جاری نمودند.

حاکمیت قرون وسطائی طالبان که کارد را به استخوان مردم رسانید و در زمان حاکمیت شان هزاران نفر کشته شدند، راه را برای اشغال کشور ما توسط امریکا و متحدان آن هموار نمود که حادثه یازدهم سپتمبر آغاز این اشغال بود.

با مرور گذرا و مختصر به وقایع چهار دهه اخیر مشاهده می گردد که حوادث فوق الذکر از چه اهمیت تاریخی برای مردم ما برخوردار است. اگر شاگردان معارف و نسل آینده کشور از چنین وقایع مهم به دور نگه داشته شوند، معلوم است که چه جفای بزرگی در حق آنان صورت می گیرد. آنانی که تحت هر عنوانی چنین خطای نابخشودنی را مرتکب شوند و بخواهند بر جنایات عاملین این جنگ ها، بربادی ها، خیانت ها و جنایت های چهار دهه اخیر افغانستان سرپوش بگذارند، از مواخذه تاریخ در امان نخواهند ماند.

دولت کنونی که بدون شک از این افراد تشکیل شده است، باید وزارت معارف آن به چنین عملی اقدام می کرد، زیرا حامی منافع افراد و تنظیم هائی است که هر کدام به نوبه خود تا توانسته کارد را به استخوان مردم رسانیده و تا توانسته در حق این ملت فقیر و زحمتکش خیانت و جفا روا داشته است. اینان باید تمام تلاش خود را به خاطر مسخ تاریخ چهار دهه اخیر به خرج دهند، زیرا می دانند که در فردای رهائی کشور ما، بازوان ستبر قربانیان خیانت ها و غداری های اینان، بر گردن شان چون حلقه دار حلقه خواهد بست.